



محمد صادق امینی

وداع تلخ

در هفته‌های گذشته و در حالی که جهان غرب خود را برای آغاز سال نوی مسیحی آماده می‌کرد، خانم بی نظیر بوتو که قول داده بود در صورت پیروزی در انتخابات، مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی را در اولویت برنامه‌های خود قرار می‌دهد، در یک حمله‌ی انتحاری در شهر راولپندی در جمع هوادارانش کشته شد. ناظران امور می‌گویند حادثه‌ی قتل بوتو ممکن است نشانه‌ی آغاز موج جدیدی از تهاجم تندروهای اسلام‌گرا باشد و حتی این خطر وجود دارد که این موج از مرزهای پاکستان فراتر رفته، تلاش‌های آمریکا در سرکوب طالبان و القاعده در افغانستان را تحت‌الشعاع قرار دهد.

ترور بوتو و انفجار اوضاع پاکستان

ترور هولناک بی نظیر بوتو زلزله‌ای است که برای سالیانی دراز پاکستان و نیز منطقه را خواهد لرزاند و شاید بتوان آن را با قدرت گرفتن طالبان در افغانستان مقایسه کرد. از حدود یک سال قبل پاکستان شاهد تحولاتی بوده است که یکی بعد از دیگری این کشور را به سوی بحرانی لاینحل‌تر راند. ترکیبی از اسلام‌گرایی بی‌منطق، نظامی‌گری مبتنی بر ناسیونالیسم، یک دیکتاتوری اقتدارگرا، فعالیت یک سازمان اطلاعات امنیت مخوف بی‌نظارت ولی بسیار گسترده و نیز حضور چندین گروه افراطی مسلح که ضدیت با دموکراسی و تشیع

وجه تشابه همگی آنان است، عواملی هستند که هر یک به نوبت گره‌ای به بحران لاینحل پاکستان می‌افزایند. عوامل فوق در شرایطی امکان حضور و گسترش یافته‌اند که فقر و عقب افتادگی ده‌ها میلیون پاکستانی در این کشور زمینه مساعدی برای رشد و گسترش هر نوع بحران سیاسی و اجتماعی است. مجموع بحران‌های فوق پس از ترور هولناک یکی از آخرین سمبل‌های ملی این کشور، تصویری از پاکستان ترسیم می‌کند که بیشتر شبیه به یک علامت سوال و ابهام بین‌المللی است. در درجه‌ی اول، کشوری که احتمالاً دیگر کسی بر آن حکومت نمی‌کند یا حاکمان آن به طور منطقی نمی‌توانند مدعی اداره

بوتو و آرزوهای محالش برای پاکستان

ترجمه و تلخیص: سپیلا زمانی
منبع: مجله ویک/ژانویه ۲۰۰۸

پرویز مشرف، رییس جمهوری وقت پاکستان، و بوتو نامیده می‌شد، بسیار بود؛ در خصوص مشارکت در قدرت. من هم در این خصوص از دوست دوران دانشگاهم پرسیدم. پاسخ او بدون تردید روشن‌کننده این مطلب بود که وی به مشرف کمترین اعتمادی ندارد. "مشرف به هیچ یک از سخنان و تعهدات خود پایبند نیست. او تاکنون زیر تمام قول‌هایش زده است."
بی نظیر از این که نامش در پاکستان توسط مخالفانش لکه‌دار شده بود، به شدت عصبانی بود. طی این سال‌ها، وی به واسطه‌ی مواردی چون فساد مالی، انتصاب خویشاوندان در پست‌های مهم و... مورد بی‌احترامی و تهمت و توهین قرار گرفته بود و با یادآوری این مسایل، صدایش می‌لرزید. اکنون از نظر بوتو زمان آن رسیده بود که به پاکستان بازگردد تا بتواند از خود، اعاده‌ی حیثیت کرده و واقعیت وجودی خویش را به مخالفانش بشناساند. او قصد داشت یک دوره‌ی دیگر

"من می‌خواهم که به پاکستان بازگردم... سرنوشت من هر چه باشد، من باید این کار را بکنم..."
در واقع، بازگشت بی نظیر بوتو به آن معنا نبود که وی نمی‌دانست در پاکستان چه چیزی انتظارش را می‌کشد. آن روز در اسپن، بی نظیر آنچه را که پدرش - ذوالفقار علی بوتو - گفته بود، بار دیگر تکرار کرد: "... من باید با سرنوشتم روبه‌رو شوم..."
شاید او در درون خود و در قلبش می‌دانست که شانسش برای زنده ماندن در پاکستان کمتر از صفر است؛ اما با این حال، از رفتن باز نایستاد. ورود خونین بوتو به پاکستان پس از ۸ سال تبعید و به منظور شرکت در انتخابات پارلمانی و تصدی مجدد پست نخست‌وزیری، مرا بیش از پیش نگران ساخت که با این ضعف امنیتی، حفظ جان بی نظیر چه خواهد شد؟
آری، پیش از بازگشت بی نظیر به پاکستان، بحث در خصوص آنچه "توافقنامه" میان ژنرال

من "بی نظیر بوتو" را از روزهای با هم بودن در آکسفورد می‌شناسم. او در جامعه‌ی مباحثات در آکسفورد همانند یک ستاره می‌درخشید. بسیار با فرهنگ، باریک‌بین، موشکاف و پیرو نظریه‌ی جهان وطنی بود و... حتی در این روزهای آخر نیز دغدغه‌ی این طرز تفکر رهایش نمی‌کرد.
روزهای آخر او را در اسپن، کلرادو ملاقات کردم که برای شرکت در سمیناری که توسط سناتور "تدی فورسمن" برگزار شده بود، شرکت کرده بود. ما پس از سال‌ها بار دیگر همدیگر را دیدیم و من از او در خصوص تصمیمش برای بازگشت به پاکستان پرسیدم. اراده و عزمی قوی در صدای او موج می‌زد. او جواب داد: "من ۱۷ روز و ۵ ساعت و..." آری او برای بازگشت به وطن و لمس خاک آن، لحظه‌شماری می‌کرد. بازگشتی خونین که نتیجه‌ای دردناک و تجربه‌ای تلخ را برای پاکستان به ارمغان آورد. من از آهنگ محکم و قوی صدای او به هراس افتادم.



پاکستان نگرانی‌های خاصی نیز در آمریکا به وجود آورده است. آمریکا که در جنگ علیه القاعده و طالبان و شبه نظامیان تندرو اسلام‌گرا در پاکستان، ژنرال مشرف را متحد مهمی برای خود می‌داند نگران آن است که ادامه بحران جاری، اوضاع در این کشور مسلح به سلاح‌های هسته‌ای را از کنترل خارج کند که در این صورت پیامدهای آن کل منطقه‌ی خاورمیانه را در بر خواهد گرفت. در همین راستا جرج بوش رییس جمهور آمریکا بعد از ترور بوتو در دیدار اضطراری با مشاوران ارشد خود در امور سیاست خارجی بحران فزاینده پاکستان را بررسی کرد که این جلسه اضطراری خود حاکی از اهمیت فوق‌العاده زیاد اوضاع پاکستان هسته‌ای برای آمریکاست. □

اعتباری که به یک نخ بند است

تا مدتی پیش پرویز مشرف فرمانده ستاد ارتش پاکستان و رییس جمهور این کشور به عنوان مسوول اداره و مدیریت نهادهای بحران‌زده‌ی این کشور شناخته می‌شد، اما ابهام‌های متعدد مرتبط با ترور بی‌نظیر بوتو نقش داخلی و خارجی وی را به نحوی استثنایی در معرض سوال و ابهام قرار داده است. این در حالی است که "آصف زرداری" همسر بوتو ترور بی‌نظیر را با ترور "جان اف کندی"

دولت آقای بوش تلاش داشت تا بین آقای مشرف و خانم بوتو میانجیگری کند. امید مقامات آمریکا این بود که ممکن است خانم بوتو به عنوان نخست‌وزیر پاکستان انتخاب شود و این دو نفر با همکاری هم به اصلاحات دموکراتیک در این کشور سرعت بدهند و علیه شورشیانی که از افغانستان به مناطق مرزی پاکستان آمده و در آن پناه می‌گیرند، دست به اقدامات شدیدتری بزنند. برای آمریکا، که هر روز از روز قبل نسبت به عملکرد ژنرال مشرف ناراضی تر می‌شود، دموکراسی در داخل پاکستان و توانایی این کشور در "جنگ با تروریسم" از هم تفکیک‌ناپذیر و در گرو یکدیگرند. در واقع باید گفت که وخامت اوضاع

همه بخش‌های نظامی و امنیتی آن باشند، منبعی است که تهدید، ناامنی و ترور را ابتدا به منطقه و پس از آن به کل جهان صادر خواهد کرد. روند رو به رشد بمب‌گذاری‌ها، حملات انتحاری و ناامنی و ترور در افغانستان مصداق چنین تهدیدی است. البته تبعات این ترور تا لندن و واشنگتن نیز احساس خواهد شد و دو کشور بریتانیا و آمریکا باید خود را برای دوره تازه‌ای از بی‌ثباتی و اغتشاش در پاکستان آماده کنند. برای آمریکا به خصوص ترور خانم بوتو به معنی از دست دادن فردی است که بسیاری در واشنگتن معتقدند از افراد اصلی برای ایجاد اصلاحات سیاسی در پاکستان بود. قبل از بازگشت خانم بوتو به پاکستان (در ۱۸ اکتبر ۲۰۰۷)

او ضایعه‌ای برای حزب من و همه‌ی ملت پاکستان بوده است."

این در حالی است که بسیاری از تحلیلگران بر این اعتقادند که آینده‌ی سیاسی پرویز مشرف در پی ترور بی‌نظیر بوتو در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته است.

تحلیلگران می‌گویند ترور بوتو ضربه سیاسی بزرگی برای مشرف است و بدترین روزهای قدرتش را برای او به همراه دارد. کانون مشکلات مشرف این است که همه او را متهم می‌کنند که هیچ کاری برای حمایت از بوتو نکرد. اگر مشرف تصمیم بگیرد برای مهار ناآرامی‌ها مجدداً حالت فوق‌العاده وضع کند، در واقع مخالفت‌های بیشتری برای خود رقم خواهد زد. حتی اگر او بخواهد انتخابات را در تاریخ مقرر یعنی هشتم ژانویه برگزار کند، با مخالفت زیادی مواجه می‌شود زیرا به گفته‌ی تحلیلگران این حرکت بهره‌برداری او از مرگ بوتو تلقی خواهد شد.

... اکنون تنها باید منتظر بود و دید که پاکستان پس از بوتو، آستان چه حوادثی خواهد بود؟! □

نحوه مردنش. ترور بی‌نظیر بوتو در واقع، ساعت ذهنی حامیان حزب مردم پاکستان را به عقب و به زمان اعدام ذوالفقار علی بوتو برد. بوتو با جذب و تجربه سیاسی خود به مذاکره‌کننده‌ی زیرک و سیاستمداری زبردست تبدیل شده بود. تحلیلگران روش مذاکره‌ای که باعث شد تا او بتواند پس از تقریباً هشت سال به کشور بازگردد، و همچنین ایجاد اجتماعات تبلیغاتی انتخاباتی از سوی وی با بهره‌برداری از نیازهای رهبران نظامی و رقبای سابق سیاسی خود را تحسین می‌کنند.

نواز شریف، نخست‌وزیر سابق پاکستان، نیز مانند بی‌نظیر بوتو اخیراً پس از سال‌ها تبعید به پاکستان بازگشت تا حکومت پرویز مشرف را به چالش بگیرد. برای سالیان متمادی بوتو و شریف رقبای سرسخت سیاسی بودند و هیچ چیز مانع از تلاش آنها برای پیروزی بر دیگری نمی‌شد.

اما نواز شریف ترور بی‌نظیر بوتو را "یکی از غم‌انگیزترین روزها در تاریخ پاکستان" توصیف کرد و گفت: "فقط 'حزب مردم' او را از دست نداده، مرگ

نخست‌وزیر پاکستان شود تا کارهای نیمه تمامش را به اتمام رسانده و طعم واقعی دموکراسی را به مردم بچشانند.

پس از اعدام پدرش، ذوالفقار علی بوتو، به اتهام قتل یکی از همقطارانش در حزب خلق پاکستان، در آوریل ۱۹۷۹ توسط نیروهای نظامی "ضیاءالحق"، بوتو به عنوان اولین نخست‌وزیر زن در جهان اسلام بر این مسند تکیه زد تا کلید تحرکاتی خونین از همان سال‌ها در پاکستان رقم بخورد.

اکنون، رهبر افسونگر، قدرتمند و جادویی مردم پاکستان در میان بهت و نابوری مردم سراسر دنیا به قتل رسید. اما فریاد "بوتو همیشه زنده است"، "بوتو همیشه زنده است" در سرتاسر پاکستان طنین‌انداز شده تا تحمل روزهای سخت بدون بوتو را راحت‌تر سازد.

بوتو سمبل پدر پرچم‌خیز خود، ذوالفقار علی بوتو که در دهه ۷۰ میلادی بر کشور حاکم بود، با مرگش نشان داد که تا چه اندازه در میان مردم جای دارد. بوتو از بسیاری از جهات نیز شبیه پدر فقید خود بود، از جمله در روش و منش سیاسی و حتی در

رییس جمهور سابق آمریکا مقایسه کرده و گفته مقامات دولت پاکستان تلاش می‌کنند تا به منشا اصلی ترور بی‌نظیر بوتو سرپوش بگذارند. همین موضوع باعث شده که اعتبار رییس جمهور پاکستان زیر سوال برود چون بزرگترین حزب مخالف دولت در آستانه‌ی انتخابات به آشفستگی افتاده و به این ترتیب خلایی در نظام سیاسی کشور ایجاد شده است. این تصورات احتمالاً باعث طرح مجدد این بحث‌ها می‌شود که آیا پرویز مشرف شایسته‌ی حکومت است یا نه و آیا ارتش برای هدایت روند سیاسی پاکستان از کفایت برخوردار است یا خیر؟

این در حالی است که از چندی پیش و با درگیر شدن مشرف با نهادهای قضایی این کشور، اعتبار وی را به عنوان کسی که قرار است با معیارهای نسبتاً دموکراتیک یک کشور اداره کند، مورد تردید قرار داد. حضور منفعل وی در مجاور تحولاتی که به ترور بی‌نظیر منجر شد، تاثیر وزن سیاسی وی را برای اداره‌ی یک کشور بحران زده و پرمعضل به شدت به زیر سوال برده است. در شرایط فعلی بسیاری از ناظران، پریز مشرف را به دست داشتن در ترور بوتو متهم می‌کنند که پاسخ دادن به این اتهام با مشکل اساسی مواجه است. اگر وی به هر نحو در سازماندهی ترور بی‌نظیر بوتو نقش داشته یا با سکوتی تأییدآمیز از کنار برنامه‌ریزی دوایر امنیتی دولتی برای ساماندهی ترور بی‌نظیر بوتو گذشته است، ادامه‌ی حضور سیاسی او برای اداره یک کشور بنیادگرایی در آن رواج دارد تداعی‌کننده بحران بین‌المللی است. از سوی دیگر اگر او و کلیه دوایر اطلاعاتی، امنیتی و عملیاتی که بیشتر آنها از او دستور می‌گیرند نتوانسته‌اند مانع ترور شوند یا آن را خنثی کنند باز هم حاکی از آن است که در واقع این پرویز مشرف نیست که پاکستان را اداره می‌کند، بلکه احزاب و سازمان‌های افراطی که ارتباطاتی با دوایر دولتی دارند عملاً پاکستان را اداره می‌کنند.

علت دیگر بی‌اعتباری مشرف مخالفت او با خواسته‌های بوتو قبل از مرگش بوده است. بی‌نظیر بوتو طی هفته‌های گذشته از مشرف خواسته بود تا اتومبیلی مقاوم در برابر حملات انتحاری به او داده شود، ایستگاه‌های بازرسی در حوالی منزل او احداث شود، برای حلقه محافظان خانم بوتو کارت شناسایی قابل پیگیری تهیه شود، اما همگی این درخواست‌ها با مخالفت مشرف مواجه شد. ۲۴ ساعت پس از ورود بی‌نظیر بوتو به پاکستان وی از یک حمله انتحاری در کراچی جان سالم به در برد که ۱۳۰ نفر را به کشتن داد. بی‌نظیر بوتو خواستار

انجام تحقیقات بین‌المللی و مشارکت FBI و اسکاتلندیارد برای تحقیق پیرامون این حمله انتحاری شد و درخواست کرد آزمایش‌های ویژه روی بدن قربانیان این حمله صورت گیرد که همگی آنها با مخالفت پرویز مشرف مواجه شد. احتمالاً تحقیقات بسیار دقیق پیرامون نوع حمله، مواد منفجره و مطالعه‌ی سوابق کسی که حمله انتحاری را انجام داده، آثاری از مشارکت دوایر اطلاعاتی امنیتی پاکستان را در این انفجار آشکار می‌کرد که با مخالفت مشرف مواجه شد.

اما عامل سوم بی‌اعتباری مشرف و نزدیکان او، اظهارات سریع و متناقض روزهای اولیه مقامات دولتی در خصوص مرگ بوتو است. وزارت کشور پاکستان در روزهای اولیه مرگ بوتو اصرار داشت که او بر اثر انفجار و نه در اثر تیراندازی فوت شده است. ولی فیلم‌هایی که در روزهای بعد به نمایش درآمد حاکی از آن بود که بوتو قبل از وقوع انفجار مورد شلیک گلوله قرار گرفته است. در این جا این سوال مطرح می‌شود که چرا دولت پاکستان به مدت چندین روز عکس آن را می‌گفت و بر آن اصرار داشت. اگر چه دولت پاکستان هر گونه پنهان کاری درباره‌ی علل ترور بی‌نظیر بوتو را مکرراً رد کرده، ولی آنچه بدبینی‌ها علیه مشرف را افزایش داد گزارشی بود که روزنامه آمریکایی "واشنگتن پست" در خصوص فشار دولت پاکستان بر پزشکان درباره آخرین لحظات زندگی بوتو منتشر ساخت.

بنابر این گزارش مقام‌های دولت پاکستان پزشکانی را که تلاش می‌کردند تا زندگی بی‌نظیر بوتو نخست‌وزیر سابق پاکستان را نجات دهند، تحت فشار قرار دادند تا درباره آنچه که در آخرین ساعت زندگی وی اتفاق افتاده، سکوت اختیار کنند. پزشکانی که در بیمارستان عمومی راولپندی همراه بوتو بودند در گفتگو با واشنگتن پست با بیان این مطلب افزودند: "مقام‌های پاکستانی همچنین آثار مربوط به معالجات وی را از آن بیمارستان خارج کردند". آنها به این مساله اشاره کردند که تحت فشار زیادی بودند تا اطلاعاتی را درباره ماهیت جراحات وارد شده بر بوتو از خود بروز ندهند. یکی از پزشکان که خواست نامش فاش نشود، گفت: "مقام‌های دولتی همه آثار پزشکی را درست پس از آن که زمان مرگ بوتو اعلام شد، با خود بردند."

وی افزود: "ببینید دولت به ما گفت که چیزی نگوییم و بسیاری از ما احساس می‌کنیم که این یک رسوایی است."

به نوشته‌ی واشنگتن پست، پزشکان پاکستانی هم اکنون خود را در مرکز توفان سیاسی

درباره شرایط مرگ بوتو می‌بینند. در حالی که دولت پاکستان اعلام کرده که بوتوی ۵۴ ساله در نتیجه یک انفجار انتحاری کشته شده اما تصاویر جدید نشان می‌دهند که وی در نتیجه تیراندازی کشته شده است. حقیقت درباره آنچه که اتفاق افتاده، پیچیدگی‌های جدی در پاکستان به دنبال خواهد داشت. توانایی یک فرد مسلح برای شلیک به بوتو در فاصله نزدیک نشان می‌دهد که یک جانی توانست امنیت دولت پاکستان را در شهری نقض کند که مرکز فرماندهی ارتش پاکستان است. در واقع قاتلان بی‌نظیر بوتو که قبلاً در ترور او در یک انفجار انتحاری ناکام مانده بودند برای محکم کاری، این بار او را هدف گلوله قرار دادند زیرا مصمم بودند که رهبر حزب مردم را به قتل برسانند.

کی نوبت مشرف می‌رسد؟

بنابر اظهارات کارشناسان مسایل پاکستان اگر بحران کنونی ادامه یابد، آینده خود مشرف ممکن است در معرض خطر قرار گیرد. بنابر اظهارات آنها پرویز مشرف اکنون باید به مخالفانش که وی را به دلیل کوتاهی در حفاظت از جان بوتو مسوول می‌دانند، رو آورد و یا نظاره‌گر پایان هشت سال حکومتش باشد. در واقع ترور بی‌نظیر بوتو، نخست‌وزیر سابق پاکستان، راه برای بی‌ثباتی و تشنج بیشتر اوضاع در پاکستان باز خواهد کرد. لازم به یادآوری است زوایای وحشتی که پاکستان امروز با آنها مواجه است طی چند ماه گذشته شکل نگرفته و ترکیبی از عواملی که کنترل برخی از آنها واقعاً از توان مشرف خارج است شرایط فعلی را شکل داده است. خود پرویز مشرف تاکنون از دو بمب‌گذاری جان سالم به در برده است. بمب‌گذاری که دو سال پیش پرویز مشرف از آن جان سالم به در برد به نحوی سازماندهی شده بود که نقش احتمالی جناح‌هایی از سازمان اطلاعات و امنیت پاکستان را در آن آشکار می‌کرد. گارد حفاظت از مشرف در شرایطی که به دستگاه‌های خنثی‌کننده امواج الکترونیک منجر به فعال شدن بمب مجهز بود چند بار مسیر رفت و آمد خود را عوض کرد ولی باز هم از فاصله چند متری یک بمب مهیب رد شد و مشرف به نحوی معجزه‌آسا از مرگ نجات یافت. البته هیچ گاه اطلاعاتی پیرامون تحقیق از این بمب‌گذاری منتشر نشد اما نکته‌ی مهم این بود که این حمله در شرایطی انجام شد که مشرف با فشار آمریکا پاکسازی برخی از دوایر ارتش و سازمان اطلاعات و امنیت از مدیران متمایل به القاعده و طالبان را آغاز کرده بود.